

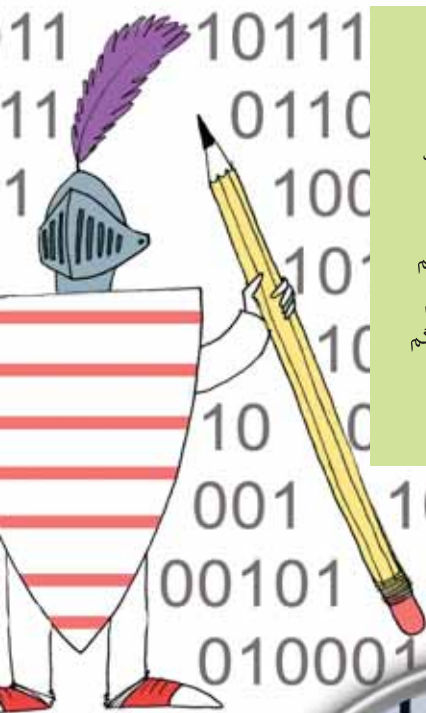
دانش آموز

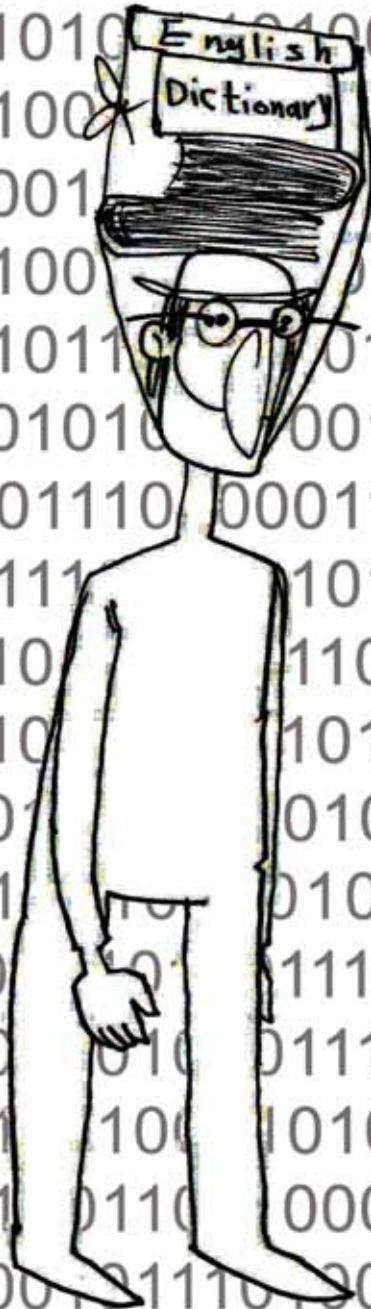
امروز روز دانش آموز است یعنی من
 من دانش آموزم بلای خاطر دشمن
 آینده ساز مملکت هستم بلا نسبت
 باید به من یک ذره گاهی داد اهمیت
 من درس می خوانم که فردا کارهای باشم
 گر مشکلی دارید جایی، چاره ای باشم
 شاید شوم دکتر و یا جراح قلب باز
 یا اپتومتریستی خفن یا اینکه دندان ساز
 با یک مهندس در پی حل دو تا مشکل
 تا اختراعاتی کنم مثل گراهام بل
 الحق که گاهی درس خواندن کار دشواری است

مستلزم شب تا اذان صبح بیداری است
 هر چند گاهی نمره هایم می رود با سر
 در زیر خط فقر یا شاید کمی کمتر
 از ارزش من هیچ چیزی کم نخواهد شد
 با خود میندازید: «او آدم نخواهد شد»
 من مثل یک سرباز توی سنگر درسم
 از تیر و ترکش های دشمن هم نمی ترسم
 با اینکه من در هندسه یک ذره می لنگم
 در سنگر فیزیک و شیمی خوب می جنگم
 باید شود تقدیر در هر صورتی از من
 من دانش آموزم بلای خاطر دشمن

وبگردی بیهوده

نشستن پای آن امری ارادی است
 ولی برخاستن دست خودم نیست
 من و اینترنت و هر روز هفته
 گمانم مغز من تحلیل رفته
 طلسم است این، یا سحر است و
 جادو؟
 دلبیو و دلبیو و دلبیو
 تمام روز را پایش نشستم
 من از وبگردی بیهوده مستم
 هزاران فایده دارد اگر وب
 ضرر هم دارد اما به مراتب
 بین ویروس در جانم نشسته
 تمام مغز من از هم گسسته
 ندارم دوستان خوب خیلی
 به غیر از یک نفر آن هم ای میلی
 نشستم پای چت کردن شب و روز
 امان از این بلای خانمان سوز





I am blackboard in the room

دوستم از بس که می خواند زبان
می زند بیرون زبانش از دهان

Can you speak English گفته از بس
رفته از یادش زبان مادریش

کرده پشتش را به آداب و رسوم
گفته است: «I am blackboard in the room»!

او که کلی شعر حافظ حفظ بود،
تازه گاهی چیزهایی می سرود،

دور از آن احوال عرفانی شده
روزگارش «Just for fun» ی شده

می خورد اسپاگتی، لازانیا
فست فود Made in Italiya

می کند موزیک در گوشش Play
هر چه می گوییم، می گوید: «Ok»!

قبل خوابش هم به جای شب به خیر
«Good night» ی می کند با بقیه Share

سیم قلبش بس که وایرلس شده
تازگی ها اندکی دپرس شده

چون رسیده دوستی هایش به
استتوسش گفته «I have no Friend»!

ای فدای غصه هر روز تو
«I'm sorry» های عالم سوز تو

خسته ایم از جمله های خارجیت
لطف کن این جمله ها را کن Delete

بعد از این آداب و ترتیبی بجو
زیردپلم حرف هایت را بگو!